



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله عليها)

شهرستان اردبیل

عنوان

بررسی احکام ترخیص ها و تخفیف های زنان در ابواب فقه

پژوهشگر

شهربانو ستوده

چکیده

چنانچه در شرایطی خاص، به دلیل تسهین بر مکلف، حکمی مباح شود که قبلاً مباح نبوده است، به آن حکم، رخصت گویند. همچون جواز خوردن گوشت مردار برای شخص مضر یا برداشتن وجوب نماز جمعه و جماعت از زنان در زمان حضور یا غیبت امام، لیکن به حکم شرعی‌ای که برای عموم مکلفین، در شرایط متعارف وضع شده است، عزیمت گویند، همچون حرام بودن نماز خواندن زن حائض، حرمت تصرف در مال غیر و وجوب نماز و روزه بر عموم مکلفین.

درخصوص برخی از اقدام اولی که به استناد ادله‌ی لاجرج، لاضرر و اضطرار، از مکلفین برداشته می‌شود و حکم ثانوی تشریع می‌گردد. این سؤال مطرح می‌شود آیا این احکام ثانوی در حق مکلفین، رخصت و تخفیف است یا عزیمت؟ همچنین در مواردی که رخصت و یا تخفیف هستند چه رابطه‌ای با قواعد فقهیه فوق‌الذکر دارند؟ و اینکه تریخی بودن برخی از احکام تکلیفی برای زنان قابل بحث است.

کلید واژه‌ها: رخصت، تخفیف، عزیمت، اباحه، لاجرج، لاضرر(ضرورت)، اضطرار

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
مفهوم لغوی و اصطلاحی رخصت، عزیمت و تخفیف.....	۲
اقسام رخصت.....	۲
۱: تقسیم رخصت به واجب و غیر واجب.....	۳
۲: تقسیم رخصت به واجب، مستحب، مکروه و مباح.....	۳
انواع ترخیص.....	۳
۱: ترخیص عقلی.....	۳
۲: ترخیص شرعی.....	۴
۳: ترخیص واقعی.....	۴
۴: ترخیص ظاهری.....	۴
انواع تخفیفات شرعی.....	۵
ماهیت فقهی رخصت و عزیمت.....	۵
ترخیص و تخفیف در قواعد فقهی.....	۶
۱: قاعده لآخِرَج.....	۷
۱-۱: معنای لغوی حَرَج.....	۷
۲-۱: معنای حرج در عرف عام.....	۸
۳-۱: رخصت یا عزیمت بر ال قاعده لآخِرَج.....	۸
۲: قاعده اضطرار و ضرورت.....	۹
۱-۲: مفاد قاعده اضطرار.....	۹
۲-۲: مفاد قاعده ضرورت.....	۹
۳-۲: معنای لغوی ضرورت و اضطرار.....	۱۰
۴-۲: جایگاه قواعد اضطرار و ضرورت در فقه.....	۱۰

۱۱	احکام تخفیفی در بحث جرم و مجازات.....
۱۲	۱: عوامل مخففه جرم و راه‌های رهایی مجرم از مجازات یا تخفیف آن.....
۱۲	۱-۱: فرق میان «اقرار» و «شهادت».....
۱۲	۲-۱: توبه و کار نیک.....
۱۳	۳-۱: جلوگیری از شدت جرم از طریق اقرار.....
۱۴	ترخیصی بودن برخی از احکام تکلیفی برای زنان.....
۱۴	۱: برداشته شدن وجوب نماز جمعه و جماعت از زنان.....
۱۵	۲: بحث ترخیص در احکام روزه.....
۱۵	۲-۱: بانوانی که روزه بر آنها واجب نیست.....
۱۵	۲-۱-۱: زن باردار.....
۱۶	۲-۱-۲: زن شیرده.....
۱۶	۲-۱-۳: زن پیر.....
۱۶	۲-۱-۴: زن حائض و نفساء.....
۱۷	کفاره‌ی روزه.....
۱۷	روزه کفاره.....
۱۷	قضای روزه‌ی پدر و مادر.....
۱۸	جزیه ندادن زنان.....
۱۹	نتیجه‌گیری.....
۲۰	فهرست منابع و مآخذ:.....

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند، روزه‌اش باطل است ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود، اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمم کند روزه او صحیح است.^۱

تنها خون حیض و نفاس است که موجب می‌شود نماز از مکلف ساقط شود نه خون دیگر و این تخفیف و رحمتی است از جناب خداوند منان بر زنان.^۲

کفاره‌ی روزه

اگر عمداً روزه‌ی خود را باطل کند و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود کفاره بر او واجب نیست.^۳

(در کافره روزه) اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد، عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است برای او پیش آید، بعد از برطرف عذر، واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر به‌جا آورد.^۴

روزه کفاره

اگر زن در عزای میت‌صورت خود را بخراشد به طوری که خون بیادیا موی خود را بکند، باید یک بنده آزاد کند یا ده دقیقه را اطعام دهد و یا آن‌ها را بیوشاند و اگر بتواند باید سه روز روزه بگیرد بلکه اگر خون هم نیاید بنا بر احتیاط واجب به این دستور عمل نماید.^۵

قضای روزه‌ی پدر و مادر

قضای روزه‌ی پدر بر غیر پسر بزرگتر و بر دختر، اگر چه فرزند پسر هم نباشد، واجب نیست و قضای روزه‌ی مادر نه بر پسر و نه بر دختر واجب نخواهد بود.^۶

۱- همان مسأله‌ی ۱۶۴۲

۲- شیخ صدوق، علی‌الشرع باب ۲۲۴، ص ۶۱۲

۳- توضیح المسائل مسأله‌ی ۱۶۷۵

۴- همان مسأله‌ی ۱۶۶۴

۵- همان مسأله‌ی ۶۳۶

۶- با استفاده از توضیح المسائل، مسأله ۱۳۹۸ و ۱۷۱۲ محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (بیروت: مکتب و کلام الامام الخمینی ۱۴۱۰ ق)، ج ۱، ص ۷۵۶

جزیه ندادن زنان

چرا جزیه ندادن (مالی که بخاطر نکشتن کفار پرداخت می‌شود)، از زنان، ناتوان، ناتوان، پیرمرد و کودکان برداشته شده است؟

زهری می‌گوید: از امام سجاد (علیه السلام) پرسیدم: چرا جزیه (دادن) از زنان ساقط شده است؟

امام فرمودند: به خاطر اینکه رسول خدا (صل الله علیه و آله) (یاران خود را) از کشتن زنان و کودکان در سرزمین‌های کفر، نهی می‌کردند: مگر اینکه آنها نیز به جنگ بپردازند. اگر زن شروع به جنگیدن کرده تا آن جا که امکان دارد باید از کشتن آن تا زمانی که ضرری وارد نکرده است، خودداری کرد. وقتی پیامبر (ص) در سرزمین کفار که شهر آنها است، از کشتن آنها نهی نمی‌کردند، پس اگر در دیار مسلمانان باشند به طریق اولی (یقیناً) نباید کشته شوند.

واگر از دادن جزیه (مالیات کفار) خودداری کردند، کشتن آنها جایز نیست و از آنجایی که کشتن آنها (این خاطر که جزیه نمی‌دهند) جایز نیست، جزیه از آنها برداشته شده است.^۱

^۱ - شیخ صدوق، علل الشرایع، باب ۱۰۴، ۷۶۶، ج ۲

نتیجه‌گیری

روش اسلام در مورد تکالیفبر آسان‌گیری است، و این از ویژگی‌های اسلام به شمار می‌آید و هدف تشریع نیز مصالح مردم است. خداوند در طول مسیر هدایت، قوانین و احکامی را برای مشخص شدن تکالیف و وظایف انسانها قرار داده است و یک سری احکام اولیه و یک سری احکام ثانویه دارد که احکام اولیه عزیمت بوده و عمل به آن برهمگان واجب و ضروری است و در جاهایی از این احکام تنگناها وضیقه‌هایی برای یک‌سری از مکلفین از جمله زنان پیدا می‌شود و خداوند متعال از سر امتنانی که بر بندگان خود دارد بر آنها سهل گرفته و احکام ثانویه را که (تخفیف یافته آن احکام اولیه است) بر مکلفین معین می‌کند و این احکامها با توجه به یک‌سری از قواعد فقهی توسط فقهای واجد شرایط استنباط شده و در اختیار مکلفین قرار می‌گیرد از جمله قاعده لاضرر و اضطرار و ضرورت.

در احکام فقهی زنان، ترخیصها و تخفیف‌های زیادی از جمله در بحث نماز جماعت و نماز و روزه و کفاره و ... وجود دارد این خود امتنانی از سوی خداوند متعال بر زنان است که بر آنان سهل گرفته و احکام شاق خود را که از توان ایشان خارج بوده از گردنشان برداشته است.

امید که با انجام تکالیف خود بتوانیم شکر ذره‌ای از نعمت‌های الهی را به جا آوریم.

فهرست منابع و مآخذ:

✽ قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد جرزی، انهایه فی غریب الحدیث والاثر، محمود محمد طناحی، طاهر احمد زادی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۲. توضیح المسائل مراجع
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۵. بندریگی، محمد، منجدالطلاب، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، (تاج اللغة وصحاح العربیه)، احمد عبدالغفور، چاپ دوم، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۹۹ق.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۸. حکیم، محمدتقی، الاصول العامه للغه المقارن، چاپ اول، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۸ق.
۹. رازی، محمد بن عمر، المحصول، طه جابر فیاض علوانی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ق.
۱۰. زهیلی، دهبه، اصول الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر، ۱۹۳۲م.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، تمهید القواعد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۲. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، قم: مجمع علمی شهید صدر، ۱۳۷۱.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ترجمه و تحقیق: علی اکبر میرزایی چاپ اول، قم: نشر ادباء، ۱۳۸۹ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: متب المرتضویه، ۱۳۶۵.
۱۵. قیومی، احمد بن محمد، المصباح المیز فی غریب الشرح الکبیر للرافع، عبدالعظیم شناوری، قاهره: دارالمعارف، ۱۴۰۹ق.
۱۶. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. محمدتقی، مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸.
۱۸. محمد جمعه، عرفان، رفع الحرج فی شریع [الاسلامیه، چاپ سوم، مؤسسه الرساله، بی تا.
۱۹. محقق حلی، شرایع الاسلام، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۰. محمسانی، صبحی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، تهران: ۱۳۵۸.
۲۱. محقق خراسانی، کفایه الاصول، بیروت: ۱۴۱۲ق.

۲۲. موسوی خمینی، روح الله، ترجمه‌ی تحریرالوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۲۳. نایینی، محمدحسین، فوائد الاصول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۴. نجفی، شیخ محمد حسین، جواهرالکلام، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۲۵. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، ۱۳۷۵.